

جهت‌گیری فرهنگی در قشربندی سنی

منصوره اعظم آزاده*

چکیده

در این مقاله به معرفی گروه‌بندی‌های سنی به‌عنوان یکی از منابع جدید نابرابری و قشربندی اجتماعی و چگونگی تفاوت در جهت‌گیری‌های فرهنگی حاصل از آن پرداخته می‌شود. هدف اصلی این مقاله بررسی چگونگی تفاوت و یا تضاد ارزشی و نگرشی در گروه‌بندی‌های فوق‌الذکر است. برای نیل بدین هدف از روش فراتحلیل کیفی مطالعات پیشین استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که فرض وجود شکاف و جدایی ارزشی بین جوانی و بزرگسالی قابل تردید است. اما علی‌رغم شباهت در فرض‌های بنیادی و ارزش‌های هدف و غایی قشربندی سنی، راه‌های رسیدن بدین ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های ابزاری آن‌ها متنوع شده و از یکدیگر فاصله گرفته است. در واقع می‌توان این‌طور ادعا نمود که بعضی از تحولات ساختاری ظاهراً به دلیل وسعت فراگیری، همه‌اشار سنی و گروه‌های اجتماعی را در حوزه‌های ارزشی تحت تأثیر خود قرار داده و برخی دیگر تنها در محدوده کوچک‌تر و در رابطه با گروه‌های خاص منشأ اثر بوده است و در این حیطه نیز تنها تفاوت در راه و روش، موجب تمایزات فرهنگی قابل رؤیت در گروه‌های سنی شده است.

کلیدواژه‌ها: قشربندی سنی، گروه‌بندی سنی، چرخه زندگی، نسل تاریخی، جهت‌گیری فرهنگی، جهت‌گیری ارزشی و نگرشی، فراتحلیل کیفی.

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء (س) Maazadeh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۸۶/۴/۱۹

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۵، شماره ۵۸ - ۵۹

۱. مقدمه

پژوهش حاضر در نظر دارد به بازنگری تحقیقات انجام شده در مورد اقشار سنی و گرایش‌های فرهنگی بپردازد تا بر اساس یافته‌های آن‌ها بدین پرسش اساسی پاسخ دهد که آیا می‌توان از این مطالعات، به تفاوتی ماهوی و اساسی در جهت‌گیری ارزشی و هنجاری گروه‌های سنی دست یافت؟

پیش‌فرض اساسی این مطالعه بیان می‌دارد که تا آن‌جا که تفاوت‌های ارزشی و نگرشی در گروه‌های سنی، به شکاف تبدیل نشده است، اختلافات طبیعی قلمداد شده و ناشی از تحولات چرخه زندگی و زندگی در دوره‌های تاریخی و اجتماعی متفاوت محسوب می‌گردد. نگرانی هنگامی به وجود می‌آید که این اختلافات به تضاد، خصوصاً در فروض اساسی و یا ارزش‌های بنیادی جامعه تبدیل شود و به عبارت دیگر خرده‌فرهنگ گروهی به ضد فرهنگ تبدیل گردد. تغییر در لایه‌های بیرونی نظام فرهنگی و یا الگوهای رفتاری و یا هنجارها، مطابق با تحول جامعه امری معمول و رایج است. اما در مقابل، طرد ارزش‌های بنیادی و اساسی از طرف افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی و از جمله گروه‌های سنی، خطر فروپاشی هم‌بستگی و انسجام اجتماعی را محتمل می‌سازد.

در مجموع فرهنگ دارای سطوح و لایه‌ها، ابعاد و گونه‌هایی است که بنا بر مقاصد تحلیلی از یکدیگر متمایز می‌گردند و ارزش‌ها و یا ترجیح کیفیات خاص در مرکز و در عمیق‌ترین لایه‌های آن قرار می‌گیرد. هم‌چنین ارزش، نگرش و هنجار به لحاظ مفهومی با یکدیگر دارای نقاط اشتراک و یا افتراق هستند. ارزش و نگرش هر دو درونی فرد هستند. ارزش هم معیار ترجیحات و هم ارزیابی‌کننده آن‌ها بوده و دارای کلیت و ثبات است. نگرش در عین درونی بودن فاقد کلیت، ثبات و دوام ارزش است. هنجار دارای تداوم و کلیت بوده اما نسبت به فرد، بیرونی محسوب می‌گردد و نیازمند ضمانت اجراست (هشتر، ۱۹۹۳، ۱۹۹۳).

جهت‌گیری فرهنگی، دسته‌بندی مقولات ارزشی و نگرشی به صورتی نظام‌مند است که در قالب مجموعه‌ای از اصول ارزشی مبنای رفتار گروهی قرار می‌گیرد و می‌تواند در سطوح فردی و اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد.

این منظومه ارزشی - نگرشی به دلیل جریان مداوم جامعه‌پذیری در معرض دگرگونی قرار دارد. هر چه فضای اجتماعی قابل دسترس گروه‌های اجتماعی متنوع‌تر و متفاوت‌تر باشد، امکان دگرگونی این مجموعه بیشتر می‌شود. این دگرگونی در دنیای جدید ارتباطات و تعاملات مجازی شدت بیشتری گرفته و لایه‌بندی‌های جدید اجتماعی را میسر ساخته است.

یکی از انواع گروه‌بندی‌های اجتماعی، گروه‌بندی سنّی است. منظور از گروه‌بندی سنّی، اقبال شکل گرفته از تجربیات متفاوت و تغییرات ساختاری است و تمام افرادی را که در یک گروه و دسته‌بندی سنّی متولد شده (نسل بیولوژیک) و دارای تجربیات و حافظه تاریخی (نسل تاریخی) و موقعیت و تعاریف اجتماعی مشترک (نسل اجتماعی) هستند، در برمی‌گیرد. گروه‌های سنّی به علت جامعه‌پذیری در ظرف زمانی، مکانی و اجتماعی خاص دارای معانی، ایدئولوژی، جهان‌بینی و گرایش‌های خاص گشته و از تحولات اجتماعی تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر گذارند.

مطالعات اخیر نشان از تعامل گروه‌های سنّی، جنسی، قومی با طبقات اجتماعی در شکل‌گیری معانی، ذهنیات و گرایش‌ها دارد. گروه‌های گوناگون اجتماعی به دلیل دسترسی نابرابر به منابع و امتیازات با ارزش جامعه، همانند طبقات در ایجاد جهان‌بینی و ایدئولوژی‌ها سهیم هستند. شناسایی تمایلات گروه‌های سنّی، وجوه تشابه و تفاوت آن‌ها در حوزه‌های گوناگون نظام فرهنگی از طریق فراتحلیل مطالعات انجام شده، می‌تواند نشان دهد که آیا تمایزات فرهنگی در بین گروه‌های سنّی - جوان، میانسال، بزرگسال - شکل گرفته یا خیر؟ و اگر تمایزاتی در این عرصه وجود دارد، در کدام حوزه به شکاف نزدیک شده است.

این مقاله در نظر دارد با طرح این مقدمات به چگونگی تفاوت در جهت‌گیری‌های ارزشی، نگرشی و هنجاری و یا به عبارتی فرهنگی گروه‌های سنّی بپردازد. هدف عمده این بررسی، جستجو و شناسایی عرصه و حوزه‌هایی است که در آن گروه‌های سنّی به لحاظ ارزشی، نگرشی و رفتاری از یکدیگر متمایز شده و فاصله گرفته‌اند.

۲. بحث نظری

اگرچه تفاوت بین ارزش‌های گروه‌های مختلف سنی همیشه وجود داشته و مطرح بوده است، اما بحث از تغییرات ارزشی و گروه‌بندی‌های سنی از مباحث دوران مدرن و پیامد تغییرات سریع اجتماعی ناشی از صنعتی شدن و جریان‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و نیاز مدرنیته به تفکیک و تمایز برای کنترل عقلانی امور است.

بررسی‌های نظری و تجربی در جوامع مختلف نشان داده است که تغییرات ساختاری در جوامع به همراه مسئله جهانی شدن، می‌توانند موجب گرایش‌های ارزشی، نگرشی و رفتاری جدید شده و به دنبال آن نیازها و انتظارات جدیدی را نیز بیافرینند.

در ایران از زمان انقلاب مشروطه و با طرح حقوق مدنی و شهروندی و بحث از حق و تکلیف لایه‌های مختلف اجتماعی، پایه تغییرات ارزشی و نگرشی بنا نهاده شد. اما عمده توجه و تحلیل مسایل مربوط به گروه‌های اجتماعی به دهه ۴۰، برنامه‌های توسعه مربوط به آن و رشد شاخص‌هایی مانند شهرنشینی، سوادآموزی، طبقه متوسط و ارتباطات برمی‌گردد. بعد از انقلاب با افزایش جمعیت و توسعه سوادآموزی و بعد از جنگ با گسترش ارتباطات بین‌المللی، این مسئله خود را به نحوی آشکارتر نشان می‌دهد. رشد کمی و کیفی جمعیت و قرار گرفتن در مدار جهانی، دگرگونی‌های عظیم اجتماعی و فرهنگی را در همه اقشار و از جمله جوانان پدید می‌آورد. این تحولات با توجه به رشد جمعیت دانش‌آموزی و دانشجویی، مصرف محصولات فرهنگی و قرار گرفتن در شبکه ارتباطات جهانی بهتر درک می‌شود.

روندهای ساختاری و فرهنگی که بر افراد اثر گذارده و سبب تغییرات ارزشی می‌شوند عبارتند از:

۱. تأثیرات دوره خاص زمانی یا حوادث زندگی که بر تمامی اعضای یک فرهنگ اثر گذار است.

۲. تأثیرات ویژه گروه‌های سنی و یا رویدادهایی که تنها توسط گروه سنی خاص تجربه می‌شود. تأثیر حوادث تاریخی - اجتماعی بر گروه‌های سنی و هم‌چنین تأثیر مراحل زندگی در این حیطه جای می‌گیرند (کانتی و دانهام، ۱۹۹۷: ۱۸۰).

میزان تشابه و تمایز نظام‌های ارزشی گروه‌های سنی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، از مسائلی اساسی در تعیین روند و جهت‌گیری ذهنیت فرهنگی جامعه است که برای شناخت این روند باید به تبیین آن پرداخت. دو گونه تئوری درصدد تبیین این مسئله برآمده‌اند. الف) تئوری یادگیری اجتماعی بر این باور است که رفتارهای اجتماعی از طریق مشاهده جهان اجتماعی، تفسیر آن و الزام پاسخ‌گویی به فشارهای بیرونی و اجتماعی آموخته می‌شوند. اساس این تئوری انتقال و جایگزینی نظام ارزشی بزرگسالان در فرزندان از طریق فرمول‌بندی و حمایت آن توسط نظام پاداش‌دهی جامعه است. ب) تئوری رهایی یا جدایی‌سازی، بر این باور است که جوانان معمولاً کمتر پذیرای نظام ارزشی سنتی بزرگسالان بوده و در مقام ضدیت با آن بر می‌آیند (دادلی، ۱۹۸۶: ۴). فرضیه‌های دیگری نیز به مسئله تداوم و یا جدایی نظام ارزشی جوانان و بزرگسالان پاسخ داده‌اند.

۱. فرضیه سن - محافظه کاری

۲. فرضیه سن - ثبات

در فرضیه اول همه افراد با افزایش سن محافظه‌کار می‌شوند. در فرضیه دوم ثبات نگرشی از هر گونه که در جوانی - پیوستگی یا تعارض - شکل گرفته باشد، در بزرگسالی تداوم می‌یابد (کانتی و دانهام، ۱۹۹۷: ۱۸۰). از منظر جامعه‌شناسی، سن نه فقط عنصری بیولوژیک، بلکه پدیده‌ای است که در روابط اجتماعی دارای معنا و مفهوم می‌شود. گروه سنی نیز یک گروه اجتماعی است که نه تنها براساس زمان بلکه براساس ایده، اندیشه، ارتباطات چندگانه، فضای اجتماعی و تاریخی از سایر گروه‌ها جدا می‌گردد. با این تعریف سن و گروه سنی، یکی از موانع و یا مضایق اجتماعی دسترسی به امتیازات معرفی می‌شود. اعضای یک گروه سنی با احساس و آگاهی مشترک از موقعیت اقتصادی - اجتماعی خود، در ساختار و روابط قدرت دارای خصلت گروهی می‌شوند. این خصلت، گروه‌بندی سنی را به تعریف طبقات نزدیک می‌کند، اما بر اساس دو ویژگی از آن متمایز می‌گردد:

الف) اعضای یک گروه سنی جز با گذشت زمان امکان تحرک گروهی پیدا نمی‌کنند.

ب) طبقات سنی هم به لحاظ مختصات زیست‌شناختی و هم زمان اجتماعی - تاریخی، دارای تعاریف و محدودیت‌هایی می‌گردند (به، ۱۹۹۶: ۴).

اهم توجه به تحلیل گروه‌های سنی از نیمه دوم قرن بیستم و با پیدایش جنبش‌های دانشجویی، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جوانان و صحبت از طبقه نسلی به جای طبقه اجتماعی شکل می‌گیرد و با استفاده از مفاهیم انسان‌شناسی، بنیانی را برای طرح موضوعات مربوط به گروه‌بندی‌های سنی پدید می‌آورد.

به منظور بررسی تحولات ارزشی و هنجاری گروه‌های سنی از چند گونه چارچوب مفهومی استفاده می‌شود (کلیما، ۲۰۰۵؛ برادلی، ۱۹۹۶).

۱. چارچوب چرخه زندگی

۲. چارچوب نسل تاریخی

۳. چارچوب قشربندی سنی

رویکرد چرخه زندگی، چارچوب مرجعی را برای تحلیل فرآیند جایگزینی فرد و گروه‌های سنی در درون سیستم طبقاتی نظام اجتماعی فراهم می‌آورد.

در چارچوب نسل تاریخی، قالب بزرگ‌تری که تاریخچه زندگی افراد و گروه‌های سنی را به‌عنوان یک نسل در بر می‌گیرد، زمینه تاریخی وسیع‌تر است. در این مفهوم، نسل علاوه بر خصالت بیولوژیک، دارای ویژگی مکان‌یابی تاریخی و اجتماعی است.

علاوه بر دو رویکرد ذکر شده، چارچوب نظری دیگری نیز به تحلیل مفهوم گروه‌های سنی می‌پردازد و آن مفهوم قشربندی سنی است. بر اساس تفکر نهفته در این نظریه، جوانی و بزرگسالی بر حسب موقعیت و پایگاه خود در جهان اجتماعی درک و تعریف می‌گردد. از این منظر، جوانی و پیری مفهوم و سازه‌ای اجتماعی است که راه‌های خاص به تصویر کشیدن خود و دیگران را در یک نقطه از زندگی نشان می‌دهد و با این تعریف به یکی از مفاهیم مهم جامعه‌شناسی در تبیین رفتار افراد تبدیل می‌شود (سوز، ۲۰۰۰: ۲۱۰).

بدین ترتیب گروه‌بندی سنی به بنیانی برای تعیین تجربیات متفاوت و تغییرات اجتماعی تبدیل گشت و سن، مبنای قشربندی براساس نقش‌های مورد انتظار و پایگاهی برای تمایز از دیگران قلمداد گردید. در این معنا افرادی که در یک گروه و دسته سنی متولد شده و تجربیات تاریخی مشترکی دارند، در شکل‌گیری معانی، ایدئولوژی، جهت‌گیری، نگرش و ارزش‌های یکسانی شریک می‌شوند. هم‌چنین افراد یک گروه و دسته سنی، اکثراً انتظارات مشابهی را در مورد تغییرات و انتقال دوره‌های سنی از خود بروز می‌دهند. به عبارت دیگر هنجارهای سنی، خود در زمان‌های تاریخی دچار تحول شده و افراد در گروه‌های سنی با الگوهای نوعی خاص و ترتیبات رفتاری جدید شناخته می‌شوند. این الگوها در مواجهه با منابع قدرت در جامعه تقویت شده و در ساختار آن نهادینه و تثبیت می‌گردند.

رویکرد قشربندی سنی با تأکید بر تمایز گروه‌های سنی و تحلیل عوامل اجتماعی و تاریخی مؤثر بر شکل‌گیری آن، کمک بسیاری به شناخت وضعیت فعلی گروه‌بندی‌های سنی و روند گرایش‌های ارزشی و نگرشی آن‌ها نموده است و گرچه به خاطر چشم‌پوشی از تفاوت‌های فردی مورد انتقاد قرار گرفته است، اما در مقابل در جهت تبیین جامعه‌شناختی و تاریخی نگرش و رفتار گروه‌های سنی موفق به نظر می‌رسد.

منتقدان به تئوری قشربندی سنی معتقدند که مؤلفه‌هایی دیگر، مانند جنس معنای نقش و موقعیت اجتماعی، سن را تحت تأثیر قرار داده و در تعیین توانایی‌ها و نیازهای سنی مؤثر واقع می‌شوند. بدین ترتیب، تعیین‌کنندگی سن به میزان بسیار زیادی با واقعیات دیگر زندگی افراد گره خورده و به آن‌ها بستگی پیدا می‌کند.

به‌عنوان نتیجه‌گیری باید اذعان داشت که هنوز مسایل بسیاری در مورد اهمیت سن در تعریف و شناخت اعمال انسانی وجود دارد که بحث‌های بسیاری درباره‌ی دو‌گونه از نظریات، یکی همسانی نگرشی و ارزشی اقشار سنی و دیگری ناهمسانی آن، دامن می‌زند. در حالی که دسته‌ای از نظریات بر تفاوت و تمایز در افکار و اندیشه و راه و روش اقشار سنی اشاره دارند، گروه دیگر در نهایت بر همبستگی و پیوستگی آن‌ها تأکید می‌کنند. اما باید توجه داشت که در جامعه‌شناسی رویکردهای دیگری نیز مانند کارکردگرایی،

رادیكال، كنش متقابل نمادی، انتخاب عقلانی و فرامردن به تحلیل سن و تبیین رابطه بین گروه‌بندی‌های سنی و جهت‌گیری‌های ارزشی و نگرشی پرداخته‌اند، كه گرچه هر کدام در جای خود از قدرت تبیینی بالایی برخوردارند، ولی به نظر می‌رسد كه امروزه به دلیل شرایط جدید و سرعت دگرگونی‌ها و پیچیدگی بافت و زمینه زندگی، دیگر صحبت از این و یا آن رویکرد منسوخ شده و به جای آن، مجموعه‌ای از نظریات در کنار هم و با یكدیگر عهده‌دار پاسخ‌گویی به اشكال گوناگون زندگی روزمره افراد گردیده‌اند. در این صورت می‌توان ادعا نمود كه قشربندی سنی، تنها در صورت به كارگیری تمامی ابعاد خود و در کنار سایر مؤلفه‌های تبیین‌كننده همانند جنس، تحصیلات و وضعیت طبقاتی، می‌تواند به توضیح اشكال گوناگون كنش‌های ذهنی و عینی انسانی بپردازد و پاسخ‌گوی پیچیدگی رفتار و حالات ذهنی گروه‌های مختلف اجتماعی باشد. بدین ترتیب در این مطالعه تعریف سن به‌عنوان متغیری مستقل و تبیین‌كننده، بدین معنا نیست كه اهمیت سایر مؤلفه‌های اجتماعی نادیده گرفته شود؛ بلکه بیان زمینه‌ای تجربی برای درك و فهم بهتر گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های فردی و اجتماعی است.

۳. روش بررسی

به منظور پاسخ‌گویی به مسئله فوق، از روش فراتحلیل کیفی پژوهش‌های پیشین استفاده شده است. این روش برای تحلیل مجموعه‌ای از نتایج مطالعات تجربی مستقل از یكدیگر طراحی شده است. ویژگی خاص مطالعات مورد بررسی، سؤالات مرتبط درباره موضوعی واحد است. این روش از آماره‌های تحقیقات مجزا، به صورت داده‌های اطلاعاتی استفاده می‌کند و از این منظر، به نوعی تحلیل ثانویه محسوب می‌شود.

فرض بنیادی این روش بر این اساس است كه با انباشت برآوردهای آماری از جمعیت‌های تحقیقی گوناگون، می‌توان به بازنگری و نتیجه‌گیری دقیق‌تری از واقعیت رسید. در این جا باید یادآور شد كه منظور از فراتحلیل در بیشتر مطالعات، انجام عملیات آماری برای شناخت میزان واقعی بودن شدت روابط در جمعیت‌های گوناگون است. اما هم‌چنین از آن، معنای مرور روش‌شناسانه تحقیقات در يك حوزه خاص به منظور دست‌یابی به نتیجه‌ای واحد نیز برداشت می‌شود. از طرف دیگر می‌توان گفت كه

فرا تحلیل، دارای مراحل چندگانه‌ای است که بنا به ضرورت و اهداف تحقیق می‌توان از چند مرحله آن استفاده نمود (گلاس، ۱۹۷۶؛ لیونز، ۲۰۰۵).

جامعه آماری در این بررسی، مطالعات انجام شده در رابطه با ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی بوده است که حدود ۵۰ پژوهش را شامل می‌شد. اما با توجه به هدف این پژوهش از میان آن‌ها ۲۰ تحقیق مرتبط که دارای ویژگی‌های علمی مورد نظر محقق بوده‌اند، برگزیده شده است. مشخصات این تحقیقات در فهرست منابع آمده است.

۳.۱. ویژگی‌های تحقیقات مورد بررسی

۳.۱.۱. ویژگی‌های نظری

با این پیشینه ذهنی ابتدا به مرور ادبیات نظری مطالعات انجام شده می‌پردازیم. همان‌گونه که ذکر شد، دو حوزه عمده کارکردگرایی که یکی بر پیوستگی ارزش‌ها و کارکرد مراحل مختلف سنین عمر در جهت‌گیری‌های ارزش‌ها و نگرش‌ها اشاره دارد و دیگری بر تضاد متکی است که به گسستگی و تقابل ارزشی و نگرشی گروه‌بندی‌های سنی ناظر است، به تعریف و توضیح شکل‌گیری ارزش، نگرش و رفتار انسانی می‌پردازند. در این میان نقش کنش متقابل نمادی، انتخاب عقلانی و سایر نظریات سطح خرد، در تبیین این‌گونه مسایل بسیار کمرنگ است. نگاهی به تحقیقات انجام شده در ایران بعد از انقلاب و خصوصاً دهه هفتاد، نشان می‌دهد که اکثر مطالعات با رویکردی کارکردگرایانه و خصوصاً از منظر پارسونز و در کنار آن با بهره‌گیری از نظریات اینگلهارت، به تبیین اولویت‌های ارزشی گروه‌های سنی مختلف پرداخته‌اند. در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که تقریباً تمامی تحقیقات، یا به مطالعه نظام ارزشی و جهت‌گیری‌های ارزشی و نگرشی افراد در گروه‌بندی‌های سنی توجه داشته‌اند و یا این که از ابتدا، بر مقایسه بین نظام ارزشی نسل‌های مختلف متمرکز شده‌اند. گفتنی است که عده‌ای از تحقیقات نیز تنها به تعریف ارزش و تعیین سنجه برای آن پرداخته و چارچوب تبیینی خاصی را برای درک رابطه مذکور ارائه نکرده‌اند.

بر اساس نتایج به دست آمده، تئوری‌های کارکردگرایی و خصوصاً نظریات پارسونز و سپس تئوری‌های توضیح‌دهنده تحولات و تحرکات نسلی، بیشترین سهم را در مطالعات

مربوط به جهت گیری‌های ارزشی و رفتاری به خود اختصاص داده‌اند. در این تحقیقات نظریه عمومی کنش پارسونز و نظریه تحولات ارزشی مادی و فرامادی اینگلهارت و فرضیه‌های جامعه‌پذیری و کمیابی وی بیشتر از سایر تئوری‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در تحقیقات مورد بررسی تئوری‌های تضاد، نظریات مارکسیستی، فشار ساختاری و تضاد رفتاری و در مواردی نادر، نظریه فضای عمومی کنش بوردیو نیز مبنای چارچوب تئوریک طرح قرار گرفته است.

در اینجا لازم است برای شناخت بهتر قالب‌های نظری استفاده شده در تحقیقات، نگاهی اجمالی به متغیرهای مستقل و وابسته مطالعات نیز داشته باشیم. این نگاه ربط منطقی بدنه تحقیق یا چارچوب نظری و تئوری‌های پشتیبان را بهتر نشان می‌دهد. توجه به این بخش، از آنجا ضرورت پیدا می‌کند که به خاطر آوریم اغلب تحقیقات ما در حوزه جامعه‌شناسی فاقد انسجام بین قسمت‌های مختلف تحقیق است و معمولاً بخش نظری مستقل از مدل و فرضیات تحقیق تدوین می‌گردد.

۳. ۱. ۲. ویژگی‌های روش شناختی

متغیرهای وابسته

همان‌گونه که مشخص است متغیر وابسته تمام تحقیقات مورد بررسی، جهت گیری‌های ارزشی، نگرشی و رفتاری بوده است. بنابر تعریف سیلز، ارزش‌ها به منافع، لذات، علایق، ترجیحات، الزامات، مطلوب‌ها، دافعه و جاذبه‌ها و دیگر کیفیات انتخابی در دنیای متنوع گزینش‌ها اشاره دارد (سیلز، ۱۹۶۸: ۲۵۸).

از همین منظر انسان‌ها نسبت به جهان بی‌تفاوت نیستند و به واقعیات صرف اکتفا نمی‌کنند، بلکه پیوسته امور را برحسب خوب یا بد و درست و یا غلط و به صورت کنشی انتخابی مد نظر قرار می‌دهند. این واژه می‌تواند بر اساس این که از آن معنای ارزش‌گذاری مستفاد شود و یا این که آن را معیاری برای ارزیابی بدانند، تعاریف گوناگونی داشته باشد (همان). در واقع ارزش، نوعی فرهنگ ذهنی و معنوی زندگی است و بدون آن مطلوبیت ترجیح و جهت‌گیری اندیشه و عمل و مبنایی برای قضاوت و ارزیابی وجود نخواهد داشت.

در تحقیقات انجام شده به منظور تعیین نظام ارزشی و جهت‌گیری‌های نگرشی و رفتاری از طبقه‌بندی، مقیاس‌ها و یا سنجه‌های گوناگون استفاده شده است. با نگاهی اجمالی به ویژگی تحقیقات مورد بررسی، مشخص می‌شود که در بیشتر تحقیقات از طبقه‌بندی نظام کنش پارسونز در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی استفاده گردیده است. در این گونه پژوهش‌ها حتی ممکن است که نظریه پارسونز مبنای چارچوب نظری تحقیق قرار نگرفته باشد، ولی از طبقه‌بندی وی برای نشان دادن اولویت‌های ارزشی بهره برده شده است.

هم‌چنین و به همان اندازه از طبقه‌بندی نظام ارزشی آلپورت و ورنون استفاده شده است. این مقیاس در بسیاری از تحقیقات پایه‌ای برای بررسی اولویت ارزشی نسل‌ها و یا گروه‌بندی‌های سنی است. بر اساس مقیاس آلپورت و ورنون نظام ارزشی به طبقات نظری، اقتصادی، زیبایی‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی تقسیم شده که بر اساس آن اولویت ارزشی گروه‌های مختلف اجتماعی مشخص می‌گردد. به هر حال حدود نیمی از تحقیقات، از این دو گونه تقسیم‌بندی استفاده نموده‌اند.

مرتب‌بندی را در مقیاس‌های مورد استفاده در تحقیقات مربوط به ارزش‌ها، طبقه‌بندی اینگلهارت از ارزش‌های مادی و فرامادی کسب می‌کند. در دهه هفتاد با استفاده از فرضیات اینگلهارت و سلسله‌مراتب نیازهای مزلو، تحقیقات بسیاری در حوزه جهت‌گیری‌های ارزشی و نگرشی انجام شده است. از سایر الگوهای ارزشی به کار گرفته شده در تحقیقات، می‌توان از مقیاس راکیچ (ارزش‌های ابزاری و غایی) و شوارتز (مدل دایره‌ای ارزش‌ها) نام برد که گرچه دارای سهم کمتری در بین سنجه‌های اندازه‌گیری ارزش بوده‌اند ولی قابل بحث و توجه هستند. مقیاس دیگر متعلق به بریت ویت و لاو^۱ است که ترکیبی از نظریات گوناگون را در قالب دو جهت‌گیری اصلی، یعنی امنیت و هماهنگی ارائه می‌دهد. این دو جهت‌گیری از یکدیگر مستقل بوده و بر پایه مفهوم‌سازی

¹. Braithwaite & Louw

اولیه راکتیج از ارزش‌های ابزاری و غایی ساخته شده و در سال‌های ۹۷-۱۹۸۵ توسط بریت ویت و همکاران وی در دنیا مورد آزمون قرار گرفته است. این مقیاس نیز در ایران مورد آزمون قرار گرفته و نسبت به سایر مقیاس‌ها از نوعی نوآوری و تازگی برخوردار است (قاضی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲۵۲).

در خاتمه باید یادآوری نمود که در برخی از تحقیقات از مقیاس و یا سنجه مفهومی و یا تجربی خاص و یا استاندارد استفاده نشده، بلکه با توجه به هدف تحقیق و نیت محقق، بیشتر از مقولات و ابزارهای محقق ساخته بهره گرفته شده است.

متغیرهای مستقل

گرچه سن متغیر اصلی و تعیین‌کننده در بررسی تحقیقات، مربوط به ارزش و نگرش در این فراتحلیل است، ولی باید انتظار داشت که نحوه برقراری این ارتباط و ساز و کارهای آن توسط قالب‌های نظری و چارچوب‌های مفهومی مناسب توضیح داده شود.

همان‌گونه که در بخش طبقه‌بندی نظریات و تئوری‌های پشتیبان و توضیح‌دهنده این رابطه بیان شد، در این تحقیقات از رویکردهای گوناگون جامعه‌شناسی، مثل رویکرد نظم، تضاد، تاریخی، نسلی و یا کنش متقابل برای تحلیل نظری نقش گروه‌بندی‌های سنی در جهت‌گیری‌های ذهنی و عینی افراد استفاده شده است. با نگاهی به متغیرهای مستقل می‌توان میزان استفاده از این چارچوب‌ها را در تدوین مدل و ساخت فرضیات گمانه‌سازی کرد.

حدود نیمی از تحقیقات، از متغیرهای زمینه‌ای و پیشینه‌ای مثل جنس، تحصیلات، محل سکونت و یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی، علی‌رغم هر نوع چارچوب نظری استفاده نموده‌اند. البته باید توجه داشت که تعدادی از تحقیقات اصولاً فاقد چارچوبی مدون و یا تئوری پشتیبان بوده‌اند. این‌گونه مطالعات یا کلاً اکتشافی و توصیفی هستند که تنها به معرفی بعضی از مفاهیم و توضیح فضای نظری و تجربی آن پرداخته‌اند و یا تنها به تعریف فرهنگ و ارزش و محدوده تئوریک آن‌ها بسنده کرده‌اند. در حالی که در تعیین چگونگی شکل‌گیری جهت‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی، انتظار می‌رود که روابط و یا ساز و

کارها، مورد بحث و بررسی قرار گیرند و به تدوین مدل و یا الگوهای نظری مبنی پرداخته شود.

علی‌رغم این مسئله باید اذعان داشت که با توجه به اولویت و ویژگی‌های خاص تحقیقات محل رجوع که اعتبار نسبی علمی، یکی از آن‌ها بوده است، حدود نیمی دیگر از تحقیقات، چارچوب‌های مدون و فرضیاتی منتج از آن دارند.

۳. ۱. ۳. روش‌های استفاده شده

روش مورد استفاده در همه مطالعات، به‌جز دو مورد که یکی توصیفی - مقطعی و دیگری تحلیل ثانویه ذکر شده است، همگی پیمایش است و مطالعات عمیق‌تر و کیفی، نقشی در شناسایی نظام ارزشی جمعیت مورد تحقیق نداشته است؛ در حالی که ارزش، امری ذهنی، کیفی و اصل انتزاعی هدایت‌کننده زندگی اجتماعی است و شناخت تجربی آن باید با فهم و درک کنش همراه شود. از منظر جامعه‌شناسان، معنای کنش از طریق روش‌های گوناگون تفهیمی میسر می‌گردد. در این صورت می‌توان گفت ارزش‌ها که اصول ذهنی مبنای کنش و ترجیحات رفتاری هستند، تنها از طریق تلفیق روش‌های مختلف میدانی، کیفی و کمی قابل درک و فهم می‌شوند. به عبارت صریح‌تر گرچه:

«از نظر عملیاتی، یک نظام ارزشی فرهنگی، مجموعه‌ای از معیارهای ارزیابی که مبتنی بر استقراء و دارای نظم منطقی بوده و از قضاوت‌های ارزشی صریح یا از رفتارهایی که به‌طور ضمنی مرتبط با ارزش‌ها هستند، استنباط می‌شود... و از نظر تئوریک نظام ارزشی فرهنگی عبارت است از معیارهای ساخت‌یافته یا الگومند صریح و یا ضمنی، که رفتار ارزش‌گذارانه با ارجاع به آن‌ها، قابل فهم می‌گردد؛ از نظر کارکردی نیز، نظام ارزشی فرهنگی عبارت است از مجموعه‌ای از اصول که رفتار به وسیله آن‌ها هدایت و تنظیم می‌شود و راهنمای افراد و گروه‌های اجتماعی است» (سیلز، ۱۹۶۴: ۸-۲۸۷).

اما کمتر پروژه‌ای با استفاده از روش‌های مکمل در صدد شناخت آن بر آمده است. علاوه بر این، با وجود ادعای شناخت نظام ارزشی و جهت‌گیری‌های ارزشی و نگرشی و الگوهای ساخت‌یافته، کمتر پژوهشی به نتیجه‌گیری نظام و یا ساختار ارزشی در جمعیت تحقیق خود رسیده است که به نظر می‌رسد این مسئله بیشتر ناشی از کمبودهای

روش شناختی پروژه‌های انجام شده باشد. بنابراین و از آنجا که حوزه بررسی ارزش‌ها و نگرش‌ها، خود حوزه‌ای پیچیده و انتزاعی است، انتخاب روش مناسب برای درک و فهم آن یکی از ارکان عمده پژوهشی کامل و دقیق است که روش انتخابی بسیاری از پروژه‌های مورد مطالعه فاقد آن بوده است.

در بخش روش‌شناسی باید به حجم نمونه، شیوه نمونه‌گیری و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات نیز اشاره نمود. از آنجا که روش اکثر مطالعات پیمایش است، در تمامی پروژه‌ها چه در سطح توصیف و یا در سطح تحلیل، تکنیک مورد استفاده پرسش‌نامه بوده است. در مواردی از مصاحبه ساختارمند و یا مصاحبه همراه با پرسش‌نامه هم بهره‌گیری شده است. به‌رحال از سایر روش‌های پیشنهادی برای سنجش ارزش‌ها، مثل تکنیک پرسش‌نامه معکوس در روش تحلیل محتوا و یا ابزار پیشنهادی از طرف هشتر^۱ (۱۹۹۹: ۲۲۵) به نام روش سازه‌ای^۲ و پیمایش سازه‌ای^۳ اثری یافت نمی‌شود.

در روش سازه‌ای که در واقع ترکیبی از روش پیمایش با سنجش‌های استنباطی^۴ است، محقق اقدام به ساختن موقعیت‌های فرضی کرده و متغیرهای مهم، اعم از عینی و یا ذهنی مؤثر بر رفتار فرد را در داخل آن موقعیت بازسازی می‌نماید. سپس پاسخ‌گو در تقابل با موقعیت فرضی قرار می‌گیرد و تصمیمات و گزینش خود را از میان شقوق مختلف برمی‌گزیند. محقق از طریق نوع گزینش پاسخ‌گو که به صورت مکرر سنجیده می‌شود، ارزش‌های بنیانی مرتبط با رفتار معین را استنباط می‌کند. از نظر هشتر ارزش‌ها عناصر نسبتاً پایداری هستند که به رفتارها در زندگی روزمره جهت می‌بخشند و در نتیجه از طریق شناخت رفتار در موقعیت‌های خاص می‌توان به ارزش‌ها و نگرش زیرین و بنیادین آن دست یافت (هشتر، ۱۹۹۹).

^۱ . Hechter

^۲ . Factorial survey Method

^۳ . Vignette

^۴ . Inferential Measure

ثبات و پایایی پرسش‌نامه و سؤالات تحقیق نیز از مواردی است که صحت ابزار سنجش و تکرار پذیری و پایداری پدیده مورد بررسی را در طول زمان نشان می‌دهد. در تحقیقات محل رجوع، به دلیل استفاده از مقیاس‌های استاندارد هم‌چون آلپورت و ورنون و یا راکیچ و اینگلهارت در صورت تطبیق با شرایط و محیط اجتماعی و فرهنگی جامعه، مسئله روایی و اعتبار سنجه‌های اندازه‌گیری رعایت شده است. از آن‌جا که مقیاس‌های استاندارد شده ارزش‌ها، خصوصاً از دهه پنجاه به‌طور مکرر در مباحث نظری و سنجش‌های تجربی جوامع مختلف توسط محققان به‌کار گرفته شده و در طول زمان نقایص آن برطرف و دارای امتیازات سنجش بیشتری شده‌اند، معتبر محسوب می‌گردند. در این قسمت مشکل عمده، همان‌گونه که ذکر شد، کارآمدی مقیاس در بافت و متن جدید اجتماعی است که با آزمون‌های مقدماتی و آزمون اعتبار و پایایی آن در استفاده‌های مکرر، می‌توان درباره آن ارزیابی دقیق‌تری ارائه کرد.

به‌هر حال از آن‌جا که مقیاس‌های ارزشی جهانی از پشتیبانی نظری محکمی برخوردار بوده و بر اساس سنت دیرپای جامعه علمی غربی، هر مقیاس جدید، شاخصی اصلاح شده است که سعی دارد با رفع نواقص ذکر شده برای شاخص قبلی، در واقع میزان اعتبار سنجه خود را افزایش داده و درک بهتری از واقعیت اجتماعی داشته باشد، می‌توان اطمینان حاصل کرد که مقیاس‌های جدید در واقع تداوم گونه‌های قبلی آن هستند و در این صورت اعتبار و پایایی آن‌ها رعایت گردیده است. با وجود این، استفاده از روش‌های اعتبار معیار و یا سازه‌ای بر میزان صحت وسیله اندازه‌گیری می‌افزاید که تقریباً جایی در تحقیقات محل رجوع ندارد. به‌جای آن، استفاده از آماره‌های بررسی سازگاری درونی مقولات و گزاره‌ها به دلیل سهولت استفاده، رواج بیشتری دارد. بدین ترتیب گرچه در اکثر تحقیقات، میزان همبستگی درونی بین سؤالات محاسبه شده است، ولی پایایی بیرونی آن‌ها مورد سنجش قرار نگرفته و در مورد اعتبار مقیاس‌ها نیز اغلب به صحت سنجش صوری و یا محتوایی بسنده شده است.

متغیرهای دیگری که باید به لحاظ اعتبار و پایایی مورد بررسی قرار گیرند، متغیر مستقل اصلی یعنی سن و یا گروه‌بندی‌های سنی است. سنجش سن بیولوژیک، و تقویمی

به علت وضوح اندازه گیری مسئله‌ای را ایجاد نمی‌کند. سن بیولوژیک و یا به عبارتی که در ادبیات مربوط به این حوزه مطالعاتی بیشتر به کار می‌رود، نسل بیولوژیک^۱، برحسب اشتراک سن و یا گروه سنی^۲ افراد در دوره حیات^۳ تعریف می‌شود. گروه‌بندی‌های سنی در اغلب تحقیقات قراردادی و برحسب اهداف تحقیق، طبقات مختلفی را به وجود می‌آورد.

اما سن تاریخی و اجتماعی به لحاظ مفهومی و تعاریف جامعه‌شناختی، پدیده‌ای قابل بررسی است و روایی و سنجش آن دارای پیچیدگی‌های خاص خود می‌گردد. نسل اجتماعی و یا جامعه‌شناختی محصول اشتراک جایگاه افراد در تاریخ اجتماعی است و با رجوع به یک واقعه مهم اجتماعی و تاریخی که به طور مشترک توسط گروه سنی خاص تجربه می‌شود، تعریف می‌گردد. در نظر بسیاری از صاحب‌نظران این حوزه، خصوصاً جامعه‌شناسان پیرو سنت مانهایم، این دو، وجوه اصلی مفهوم نسل جامعه‌شناسی هستند و در حوزه جامعه‌شناسی نمی‌توان مبنای بیولوژیک نسل را از مبنای تاریخی و اجتماعی آن جدا نمود. مفهوم نسل بنا به تعریف مانهایم دارای ماهیت اجتماعی و ایدئولوژیکی و هم‌چنین دوره زندگی است و برای شکل‌گیری هر نسل، حوادث تاریخی و اجتماعی واقع در سن ۲۵-۱۷ سالگی آن نسل مهم تشخیص داده می‌شود (قاضی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

تعریف دقیق و صحیح سن جامعه‌شناختی، هم‌چنین در متن اجتماعی معنا پیدا می‌کند. به عبارت دیگر شرایط اجتماعی خاص و سرعت تغییر و تحولات واقع شده در سنین خاص به پیدایی نسل‌های اجتماعی کمک می‌کند (سیلز، ۱۹۶۸: ۹۴). در این صورت دوره‌های زمانی مبنای تشکیل نسل جامعه‌شناختی، به تحولات اجتماعی و سرعت آن بستگی پیدا می‌کند.

¹. Biological Generation

². Age Cohort

³. Life Course

در اکثر تحقیقات مسئله روایی سن جامعه‌شناختی خدشه‌دار است. تعریف دقیق و صحیح سن در متن اجتماعی، نیاز به دقت و ظرافت‌های خاص نظری و تجربی دارد که به دلیل پیچیدگی، کمتر در پروژه‌های تحقیقاتی مراعات شده است. به منظور رهایی از این معضل، اغلب پژوهش‌های تجربی به مقایسه گروه‌های دبیرستانی، دانشگاهی یا مادران و پدران و فرزندان پرداخته‌اند. در حالی که بر اساس تعریف مفهوم نسل، ممکن است زمان شکل‌گیری نسل، به‌خاطر وقایع اجتماعی و یا به‌دلیل سرعت تحولات بلندتر و یا کوتاه‌تر در نظر گرفته شود، که در این صورت ممکن است گروه سنی دانش‌آموز و دانشجو و یا حتی والدین و فرزندان - البته در صورت نزدیکی سن در دوره زندگی - در واقع به یک نسل واحد تعلق داشته باشد و یا محدوده و بُرد تحولات به گونه‌ای باشد که تنها یک گروه سنی خاص و یا بر عکس، اغلب گروه‌های سنی را تحت پوشش خود قرار دهد.

بدین ترتیب سنجش نسل و یا سن جامعه‌شناختی به دلیل پیچیدگی‌های خاص خود مورد غفلت قرار گرفته است و تنها به تقسیم‌بندی گروه‌های سنی قراردادی اکتفا شده است. البته باید در نظر داشت که محقق می‌باید گروه‌بندی‌های قراردادی را نیز با لحاظ مجموعه‌ای از مداخلات نظری و تجربی در نظر گیرد؛ زیرا که بدون آن امکان هیچ‌گونه تقسیم‌بندی سنی معقول وجود ندارد. به هر حال از آن‌جا که مفهوم نسل دارای مجادلات و مباحث خاص نظری و تجربی است، ورود به حیطة آن تأمل ویژه‌ای را می‌طلبد.

۴. یافته‌های تحقیقات مورد بررسی درباره تفاوت اقشار سنی

مرور تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های فرهنگی گروه‌های سنی، در برخی از حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای تفاوت‌هایی است. البته تفاوت‌های مشاهده شده در اغلب موارد به اندازه‌ای بزرگ نیست که بتوان از آن به معنای شکاف و یا تضاد ارزشی و نگرشی در بین گروه‌های سنی رسید که در جای خود توضیح داده می‌شود.

در این میان، تعریف تفاوت نسلی و تمییز دادن آن از شکاف و جدایی، موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد. آنچه مسلم است شواهد قابل ملاحظه بیرونی حاکی از شکاف‌هایی است که اکثر یافته‌های پژوهشی، خصوصاً در سطح ملی آن را تأیید

نمی‌کند. شدت روابط بین متغیرهای مختلف و سن، تنها در اندازه ضعیف ولی معنادار گزارش می‌شود که معناداری آن معمولاً به علت حجم بزرگ جمعیت نمونه است. بدین ترتیب، شدت روابط در اندازه‌ای نیست که از آن بتوان مفهوم تضاد و یا شکاف را استنباط کرد.

نگاه دقیق‌تر حاکی از تفاوت‌های بنیادین در لایه‌های بیرونی‌تر فرهنگ و یا به عبارت دیگر ارزش‌های ابزاری و یا شیوه رفتار تا سطوح عمیق‌تر آن و ارزش‌های هدف و یا فروض و ارزش‌های بنیادین جامعه است. این اصل خصوصاً در مورد بعضی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مثل ارزش‌های دینی و خانوادگی کاملاً مورد تأیید قرار می‌گیرد. در حالی که در بین گروه‌بندی‌های سنی، اعتقادات بنیادین اخلاقی و دینی و خانوادگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اما در شیوه رفتارهای بیرونی و هنجارهای قابل مشاهده، جدایی آشکارتری قابل ملاحظه است، که البته خود می‌تواند در بلندمدت و با استقرار شرایط جدید، به شکاف در لایه‌های عمیق‌تر اعتقادی و باورهای ارزشی بینجامد.

همان‌گونه که ذکر شد متفکران این حوزه، بنابر مقاصد تحلیلی، دسته‌بندی‌های مختلفی از نظام ارزشی ارائه داده‌اند که در تجربه به صورتی الگومند ظاهر می‌شوند. گونه‌های ارزشی هال، شوارتز، اینگلهارت، هشتر و هافستد، مبین وجود انواع ارزشی است که می‌توان آن‌ها را با سطوح ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های فردی، ارزش‌های ابزاری (شیوه‌های رفتاری) و ارزش‌های غایی (هدف) معرفی نمود. در نظام عام اجتماعی، چهار خرده‌نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و کارکردها و ارزش‌های متناظر با آن یعنی پول، قدرت، تعهد و نفوذ، مبنا و پایه بسیاری از تقسیم‌بندی‌های ارزشی و گرایش‌های تمایلی جامعه تلقی می‌گردند. از آن‌جا که این گونه‌شناسی ارزشی چارچوب اصلی بسیاری از تحقیقات را در حوزه گرایش‌های ارزشی تشکیل می‌دهد و در ضمن خود در برگیرنده بسیاری از مقوله‌بندی‌های ارزشی، مثل ارزش‌های ابزاری (پول و قدرت) و غایی (تعهد و نفوذ) است، در این فرا تحلیل از آن به عنوان مبنای بحث استفاده می‌شود. در این صورت نظام اجتماعی در چهار زیرمجموعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. باید خاطر نشان ساخت که در غرب به علت چرخش فرهنگی

در مطالعات اجتماعی و باور پژوهشگران به قابلیت مطالعه ارزش‌ها، باوجود جنبه‌های ذهنی آن و نقشی که مجموعه‌ها و الگوهای ارزشی در جهت‌دهی رفتار افراد به عهده دارند، مطالعه ارزش‌ها مورد توجه زیادی قرار گرفته است، ولی در ایران به جز چند بررسی محدود مقطعی، گذرا و قابل بحث، چه در سطح پژوهش‌های کاربردی ملی و یا در حوزه آکادمیک، به تحقیقی بر نمی‌خوریم. هم‌چنین فقدان استانداردهای واحد در تحقیقات انجام‌شده، نتیجه‌گیری را با مشکل و سردرگمی مواجه می‌سازد.

در حوزه ارزش‌های اقتصادی^۱، اهمیت ارزش‌های این حوزه برای همه گروه‌های سنی به یک میزان است. اما در بین ارزش‌های مادی، زندگی مرفه و رفاه مادی در نزد جوانان از اهمیت بالاتری برخوردار است. آن‌چه مسلم است نسبت دادن تمایلات مادی تنها به گروه‌های جوان چندان معقول به نظر نمی‌رسد. هم‌چنین گرچه ارزش‌های فرامادی نیز دارای جایگاه ویژه در نظر افراد است، ولی به علت وضعیت و شرایط خاص جامعه و اهمیت مسایل اقتصادی در زندگی روزمره و دشواری تأمین نیازهای مادی، این موضوعات در جامعه از اولویتی خاص برخوردار گردیده است.

نگرش جوانان همانند سایر گروه‌های سنی نسبت به زندگی اجتماعی منفی است. برآورد این گروه‌ها از گرانی، بیکاری، فقر، فساد، تبعیض و نبود عدالت اجتماعی در جامعه بسیار بالاست. این عوامل با اختصاص ۹۵-۸۴ درصد از پاسخ‌ها به خود مهم‌ترین مسایل جامعه در نظر پاسخ‌گویان است. در همین حال جوانان نسبت به گروه‌های سنی دیگر پول و قدرت را بیشتر عامل پیشرفت در جامعه محسوب داشته و در انتخاب شغل به درآمد بیش از منزلت شغل بها داده‌اند. این در حالی است که بزرگسالان و زنان بیشتر

^۱. نتایج به دست آمده حاصل فرا تحلیل حدود پنجاه پروژه تحقیقاتی است که از میان آن‌ها به طور خاص بیست تحقیق بر اساس اولویت‌های این مطالعه برگزیده شده است. در فهرست منابع مشخصات تحقیقات مورد مراجعه آمده است.

طالب شغلی با جایگاه اجتماعی بالا بوده‌اند (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۷۹، ۱۳۸۲؛ محسنی، ۱۳۷۹؛ قاضی نژاد، ۱۳۸۴؛ وضعیت و نگرش و مسایل جوانان ایران،^۱ ۱۳۸۱).

هم‌چنین جوانان خود و دیگر افراد جامعه را بیشتر در طبقه متوسط و بزرگسالان در طبقه پایین به تصویر کشیده‌اند و در همه اقشار پسران دانش‌آموز به نسبت دختران اهمیت بیشتری را برای ارزش‌های اقتصادی قائل شده‌اند.

بدین ترتیب با وجود نتیجه تحقیقات موردی که نشان‌دهنده تمایلات غیر مادی در بین جوانان است، همان‌گونه که بررسی ارزش‌ها و نگرش‌ها در سطح ملی طی سال‌های ۷۴-۸۲ نشان می‌دهد، عمده افراد جامعه در حد میانی گرایش‌های مادی و غیرمادی قرار دارند.

در شرایط کنونی افراد جامعه امنیت و رفاه مادی را بر آزادی بیان و مشارکت سیاسی ترجیح می‌دهند و مسئله اصلی و مهم کنونی را نیازهای اولیه تشخیص داده‌اند. گروه‌های مختلف سنی گرچه برای خانواده، کار و مذهب اهمیت بسیار بالایی قایل بوده‌اند، اما تنها حدود ۴۰ درصد از جوانان و حدود ۲۳-۲۵ درصد از بزرگسالان مسایل سیاسی را مهم انگاشته‌اند که این خود نوعی انفعال سیاسی را در جامعه گوشزد می‌کند. در همین حال مسایل سیاسی برای جوانان نسبت به بزرگسالان دارای اهمیت بیشتری بوده و آن‌ها به محدودیت‌های سیاسی در حیطه‌های آزادی بیان و آزادی مطبوعات و یا ترس مردم از انتقاد به حکومت بیشتر اهمیت می‌دهند. در این مقولات سهم زنان کمتر از مردان، اما نسبت تحصیل‌کردگان هم‌ردیف دیگران است.

هم‌چنین علی‌رغم گرایش اکثر افراد جامعه به اصلاح وضع فعلی در مقایسه با تغییر بنیادی آن (جوانان ۶۱٪ در مقابل ۳۴٪ و بزرگسالان ۷۴٪ در مقابل ۱۹٪)، فعالیت برای جریان سیاسی اصلاحات در حدی بسیار نازل گزارش شده است. میانگین این شاخص برای جوانان ۲/۳۷ از یک طیف ده قسمتی، برای گروه سنی میانه ۲/۰۳ و برای بزرگسالان ۱/۷۵ است (قاضی نژاد، ۱۳۸۳؛ دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۱).

^۱. برای آمارها منبع ذکر شده است و بقیه مطالب حاصل استنتاج از تحقیقات هستند.

پیگیری اخبار و اطلاعات نیز در بین پاسخ‌گویان به‌طور متوسط رقمی در حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد را به‌خود اختصاص داده است (دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۱). در این میان نسبت مردان و تحصیل‌کردگان بیش از گروه‌های دیگر است. همه گروه‌های سنی معتقدند که عملکرد نظام در حوزه توسعه‌ای و دینی بهتر از زمینه‌های مدیریتی و سیاسی بوده است و نظام حکومتی ضعیف‌ترین عملکرد را در بعد مدیریتی داشته است (قاضی‌نژاد، ۱۳۸۳).

در حوزه ارزش‌های فرهنگی تفاوت بین جوانان و بزرگسالان در دین‌داری مسجّل است. منتهی دین‌داری قابل تجزیه به ابعادی است که تنها در بعضی از آن‌ها گروه‌های سنی جوان از بزرگسالان فاصله می‌گیرند. به لحاظ اعتقادی و عاطفی تفاوت عمده‌ای بین دو گروه مشاهده نمی‌شود، اما شیوه رفتار دینی و عمل به احکام به گونه‌ای متفاوت برای جوانان تعریف شده و دارای معنا می‌گردد.

در مورد هویت، هویت ملی در مورد همه گروه‌های سنی از اولویت خاصی برخوردار بوده و بر فراز سایر هویت‌ها، از جمله هویت دینی و سپس جهانی قرار می‌گیرد. اما هویتی که جوانان به‌طور اخص با آن شناخته می‌شوند و خود را نیز با آن معرفی می‌نمایند، هویت مدرن است که دارای ویژگی‌هایی مثل نوگرایی، تحول‌خواهی، دنیاطلبی و غیره است. هویت نسل میانه، هویت انقلابی و نسل بزرگسال، هویت سنتی از نظر خود آن‌ها و دیگران بوده است. به هر حال نسل جوان نسبت به بزرگسالان کمتر دارای هویت ملی، دینی و حتی جهانی است.

نکته مهم دیگر هویت دینی عرفی است که در مورد جوانان تقریباً نزدیک به هویت دینی سنتی، ولی اندکی پایین‌تر از آن قرار می‌گیرد. این ویژگی نشان می‌دهد که جوانان ترکیبی از هویت دینی سنتی و عرفی را برای خود می‌پسندند. در مقابل گرایش به دین‌داری عرفی برای بزرگسالان، حتی از هویت جهانی نیز کمتر گزارش شده است.

برای اکثر افراد ارزش‌های خانوادگی مهم بوده و سطح اعتماد و روابط گرم و اظهاری در خانواده‌های ایرانی بالا توصیف شده است. جوان‌ترها به بعضی از مؤلفه‌ها در زندگی خانوادگی و ازدواج اهمیت بیشتری می‌دهند. ازدواج غیرسنتی و از طریق دوستی و عشق از نظر آن‌ها بر نوع سنتی آن یعنی انتخاب خانواده ارجحیت دارد. هم‌چنین گروه سنی

جوان کمتر موافق اطاعت و اعمال قدرت مردان در خانواده بوده و به اشتغال و تحصیل زنان بهای بیشتری می‌دهند. در ضمن موافقت آن‌ها با حجاب به عنوان یکی از مؤلفه‌های رفتار دینی کمتر است. هم‌چنین اعتقاد کمتری به تفکیک نقش‌های جنسیتی پذیرفته در خانواده دارند.

بدین ترتیب گرچه جوانان به خانواده و ارکان مختلف آن، مثل ازدواج به عنوان یک ارزش هدف نگریسته‌اند، ولی در جنبه‌های هنجاری و رفتاری تفاوت آشکاری را با بزرگسالان ابراز داشته و به دنبال آزمودن راه‌های جدید زندگی اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و ازدواج هستند.

در بررسی نظری نتایج به نظر می‌رسد که یک تئوری واحد از عهده پاسخ‌گویی به واقعیات موجود در مورد گروه‌بندی‌های سنی برنیاید. جوانان در بسیاری از گرایش‌ها و جهت‌گیری‌ها، ویژگی‌هایی کاملاً مشابه با گروه‌های سنی دیگر از خود بروز می‌دهند. این گروه به بسیاری از ارزش‌ها در کنار سایر احتمالات باور دارند. مطالعه نتایج نشان می‌دهد که گروه‌های سنی جوان‌تر با اخذ عناصری از گرایش‌های متفاوت، نوعی هویت جدید و ترکیبی برای خود فراهم آورده‌اند. هم‌چنین به نظر می‌رسد که این کنشگران با محاسبات عقلانی‌تر و از طریق محاسبه سود و زیان انتخاب‌ها، برای به حداکثر رساندن منافع خود دست به عمل می‌زنند.

بدین ترتیب افراد و گروه‌های سنی مختلف در روند شکل‌گیری هویت خود براساس جهت‌گیری‌های ارزشی و گرایش‌های نگرشی حالت انفعالی ندارند، بلکه خود‌گزینش‌کننده بوده و در میان گرایش‌های مختلف به انتخاب می‌پردازند. به همین دلیل در کنار جمع‌گرایی به فردگرایی و در کنار ارزش‌های غایی به ارزش‌های ابزاری و در کنار اعتقادات مذهبی به جدایی دین از امور جمعی و در کنار اعتقاد به ارزش‌های خانواده‌مدار، به رفتارهای مدرن در عرصه همسریابی و زندگی زناشویی فکر می‌کنند و عقیده دارند.

مشاهده رفتار فردی و گروهی جوانان نشان می‌دهد که دغدغه جدایی جوانان از ارزش‌ها و اعتقادات بنیانی بی‌مورد و ناموجه است و گروه‌های سنی مختلف با اظهارات

خود نشان داده‌اند که در عین پذیرش مقولات رفتاری فرهنگی مدرن، هم‌چنان به ارزش‌های بنیادی پایبندند و هنوز جدایی از آن‌ها را نمی‌پسندند.

بدین ترتیب گرچه نظریه کارکردگرایی و به تبع آن یادگیری اجتماعی و نظریه‌های رادیکال تحلیل سن و رهایی‌سازی، در کنار هم قدرت تبیینی در شرایط موجود دارند، اما هم‌چنین تئوری کنش متقابل نمادین نیز به بهترین وجه از عهده تفسیر موقعیت گروه‌های سنی برمی‌آید و همان‌گونه که تغییرات ارزشی ایجاد شده ناشی از رویدادهایی است که کل اعضای یک جامعه را دربر گرفته و آنان را در باورها و راه و روش زندگی متحول ساخته است، اما هم‌چنین و در کنار آن تأثیرات ویژه گروه‌های سنی و یا رویدادهایی که تنها توسط گروه سنی خاص تجربه می‌شود نیز وجود دارد که گروه جوان ما را متأثر کرده است.

در نهایت آنچه مسلم است تعدد و تنوع فرهنگ‌های گروهی در درون پهنه و گستره جامعه است که در عین تمایل به منحصر به فرد بودن، نشانه‌هایی از پیوستگی و همبستگی با یکدیگر و با فرهنگ کل جامعه را از خود بروز می‌دهند. حسن استفاده از نشانه‌های پیوستگی در عین رعایت احترام بر تکثر و تنوع فرهنگی، یگانه طریق حفظ و تداوم همبستگی و انسجام اجتماعی است.

۵. نتیجه‌گیری و بحث

در خاتمه لازم است که بعضی از نتایج و نکات لازم که از فراتحلیل حاضر به دست آمده است مورد توجه قرار گیرد:

۱. به‌طور کلی در تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده است به نظر می‌رسد که به علت سلاقی متعدد در تعاریف مفهومی و تکنیک اندازه‌گیری، می‌باید در مورد همگنی و یا ناهمگنی نتایج بسیار با احتیاط قضاوت نمود. البته گفتنی است که این امر خود به تعاریف گوناگون از ارزش و نگرش و تعدد چارچوب‌ها و رویکردهای نظری به کار گرفته شده، در کنار ابزار و شیوه‌های سنجش متفاوت باز می‌گردد.

۲. محدودیت در سنجش کیفیات ذهنی، همان‌گونه که در جامعه‌شناسی مطرح است، با استفاده از ابزار و شیوه به کار گرفته شده، خود از اهمّ مسایل در این حوزه است.

مشخص نیست که شیوه و ابزار به کار گرفته شده در این تحقیقات، تا چه حد در سنجش دقیق و واقعی و معتبر ارزش‌ها و نگرش‌ها موجه بوده است.

۳. گروه‌بندی‌های قراردادی از سن بدون پایه و اساس مستدل، مقایسه بین تحقیقات را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. گروه‌بندی‌ها باید براساس رویکرد محل رجوع و تعاریف آن صورت گیرد. مشخص است که با اندک تغییری در گروه‌بندی‌ها، احتمال تغییر نتایج محتمل می‌شود.

۴. هنوز در بین تحقیقات انجام شده، در مورد میزان تفاوت، تضاد و شکاف اجماع نظری وجود ندارد. بسیاری از تفاوت‌های معنادار در تحقیقات، ناشی از حجم بالای نمونه است. در حالی که شدت رابطه بسیار جزئی و کوچک است. در عین حال بعضی از روابط کوچک نیز نشان‌دهنده علائمی از روند جهت‌گیری‌ها در آینده است.

۵. موضوع مورد مطالعه کیفیات درونی و ذهنی افراد است که به راحتی می‌تواند از انظار دیگران و در تحقیقات کمی پنهان بماند. به همین جهت در کنار تحقیقات کمی، لازم است که پژوهش‌های کیفی و عمیق به منظور تشخیص دقیق‌تر گرایش‌ها صورت پذیرد.

۶. موضوع مورد مطالعه می‌تواند در شرایط و موقعیت‌های گوناگون دارای تفاسیر متعدد گردد. تطبیق و تفهیم سنج‌ها برای دریافت پاسخ صحیح حائز اهمیت بسیار است. ۷. فرض یک روند افزایشی بین سن و گرایش‌های ارزشی، نتیجه‌گیری را مختل می‌سازد. در بسیاری از اوقات این روند غیرخطی است و بیشتر شکل سهمی دارد. به عبارت دیگر برخی از گرایش‌ها ممکن است با افزایش سن، جهتی مثبت داشته باشد و سپس از سنین دیگر روند معکوس به خود گیرد. رابطه سن و گرایش‌های ارزشی به شدت تابع شرایط، موقعیت‌ها و ظرف زمان و مکان است. با این بینش بسیاری از تفاوت‌های ارزشی و هنجاری در فواصل زمانی معین قابل تحلیل می‌گردد.

۸. نادیده گرفتن عوامل مداخله‌گر مثل جنس، تحصیلات، نوع و ساختار خانوادگی و موقعیت اجتماعی، نتیجه‌گیری رابطه بین سن و گرایش‌های ارزشی را دچار انحراف

می‌سازد. با کنترل رابطه مذکور و دخالت عوامل دیگر می‌توان با دقتی بیشتر خلوص رابطه را تعیین کرد.

۹. با توجه به این نکته که اکثر اعضای گروه‌های سنی به خصوص جوانان، افراد عادی و بهنجاری هستند که به راحتی پذیرای گرایش‌های مستقر در خانواده و نزدیکان خود می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که اگر در خانواده روابط گرم، صمیمانه و توأم با اعتماد حاکم باشد، اکثر جوانان ما به سمت ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی گرایش پیدا می‌کنند. ۱۰. و بالاخره با توجه به نکته بالا، ملاحظه می‌شود که فرض شکاف ارزشی و یا شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جوانی، به معنایی که در غرب از آن مستفاد می‌شود، منتفی و مردود است. اما می‌توان از مشاهدات این‌گونه برداشت نمود که گرچه در ارزش‌ها و فروض بنیادی و ارزش‌های هدف و غایی تفاوت عمده‌ای در گروه‌های سنی مشاهده نمی‌شود، اما راه‌های رسیدن به آن و جهت‌گیری‌های ابزاری گروه‌ها متنوع شده و از یکدیگر فاصله گرفته است. در واقع می‌توان این‌طور ادعا نمود که بعضی از تحولات ساختاری، ظاهراً به دلیل وسعت فراگیری، همه‌اشار سنی و گروه‌های اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده و برخی دیگر تنها در محدوده کوچک‌تر و در رابطه با گروه‌های خاص منشأ اثر بوده است و در این حیطة نیز تنها تفاوت در راه و روش، موجب تمایزات قابل رؤیت در گروه‌های سنی است.

منابع

- صدیق سروستانی، رحمت‌ا... (۱۳۷۹) «فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، ۱۵، بهار و تابستان: ۶۷-۱۰۳.
- Beh, A. (1996) *Generations and Political Science*, Department of Government, London school of Economic and Political Science.
- Bradley, H. (1996) *Fractured Identities: Changing Pattern Inequality*, Cambridg: Polity Press.
- Dudley, R. Dudley, M. (1986) "Transmission of Religious Values from Parents to Adolescents", *Review of Religious Research*, Vol. 28, N. 1: 3-28.

- Freysinger, v. y. (1995) "The Dialectics of Leisure and Development for women and Men in Mid-Life: An interpretive study", *Journal of Leisure Research*, 27:61-84
- Glass, G. (1976) "Primary, Secondary and Meta Analysis of Research", *Educational Researcher*, Vol. 5:3-8.
- Hechter, M. (1993) *Values Research in the Social and Behavioral Sciences*, New York: Aldine De Gruyter.
- Hechter, M., Ranger-Moor, J., Jasso, G., Horn, C. (1999) "Do Values Matter? An Analysis of Advance Directives for Medical Treatment", *European Sociological Review*, Vol. 15, No. 4: 405-430.
- Kanty, M. A. Dunhamsh (1997) "Difference in Value and Attitude over the Life Course", *Sociological Spectrum*, vol. 17:177-198.
- Klimova S. (2005) *Youth Socialization and Social Changes: A Research Agenda*, Saratov Polytechnical Institute and University of Kent, Canterbury.
- Lyons, L. C, Manassas, V. A (2005) *Meta-Analysis: Methods of Accumulating Results across Research Domain*, George Washington University, Medical Center.
- Sills, D. (1968) *International Encyclopedia of Social Sciences*, vol. 6/61, London, MacMillan.
- Soares, C. (2000) *Aspects of Youth, Transitions, and the End of Certainties*, UNESCO, Blackwell Publishers.

پژوهش‌های مورد استفاده

احدی هادی بیگلو، اصغر (۱۳۸۰) بررسی سلسله مراتب ارزش‌ها در میان جوانان و تأثیر باز شدن مرزها در تغییر این ارزش‌ها، پروژه تحقیقاتی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. بادبره، ایرج (۸۰-۱۳۷۹) بررسی اولویت‌های ارزشی قشرهای اجتماعی: مورد دانش‌آموزان دبیرستان‌های میاندوآب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

براتی سره، فرید (۸۰-۱۳۷۹) بررسی سلسله‌مراتب ارزش‌های دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و روند تحول آن‌ها در دوران دانشجویی، پروژه تحقیقاتی طرح ملی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی.

- پارسا، آرش و سهامی، سوسن (۱۳۸۰) بررسی ارزش‌های جوانان در مقایسه با بزرگسالان شهر شیراز، پروژه تحقیقاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- توکلی، مهناز (۱۳۷۸) بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- تیموری، کاوه (۱۳۷۷) بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- جلیلوند، شیرین (۱۳۷۴-۷۵) بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران (نسل قدیم و جدید) نسبت به ارزش‌های اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- حقیقی، ابراهیم (۱۳۷۸-۷۹) عوامل مؤثر بر ارزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان فردوس (خراسان) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضایی اردستانی، رضا (۱۳۷۳) بررسی نظام ارزش‌های جانبازان تهران بزرگ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱) وضعیت و نگرش و مسایل جوانان ایران، تهران: روناس.
- سعادت، عبدالحمید (۱۳۷۵) سلسله مراتب ارزش‌ها نزد جوانان قوچان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سهامی سوسن، پارسا کی آرش (۱۳۸۰) بررسی ارزش‌های جوانان در مقایسه با بزرگسالان شیراز، پروژه تحقیقاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استان فارس.
- شریفی، علی (۱۳۸۱) بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر پابندی دانش‌آموزان به ارزش‌های دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- شریفی، نیره (۱۳۸۲) بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (با تأکید بر دانشگاه‌های شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- صدیق، اسماعیل (۱۳۸۱-۸۲) بررسی جامعه‌شناختی تحولات فرهنگی - ارزشی خانواده در شهر تهران (مطالعه موردی مقایسه ارزش‌های والدین با فرزندان) (دانش‌آموزان) سال سوم متوسطه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۳) نسل‌ها و ارزش‌ها: بررسی و تحلیل جامعه‌شناسی تفاوت‌گرایی‌های ارزشی نسل جوان و بزرگسال، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.

محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران، تهران، دفتر طرح‌های ملی فرهنگ عمومی کشور.

مصرآبادی، جواد (۱۳۸۱) مقایسه نظام‌های ارزشی نوجوانان با والدین در شهر قم، پروژه تحقیقاتی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

یوسفی، نریمان (۱۳۸۳) شکاف بین نسل‌ها، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

_____ (۱۳۸۲) شکاف ارزشی بین نسل‌ها و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.